



زندگانی نرگس خاتون و حکیمه خاتون

ستارگان سامرا ۲/۱

عبدالرحیم میانجی

در سامرا و در جوار مزار امامین عسکریین علیهما السلام، دو بانوی برجسته از خاندان امامت مدفونند که مزار مشتاقان و زائران آن حرم هستند؛ در این نوشتار به اختصار به شخصیت و زندگی حضرت نرگس خاتون و حضرت حکیمه خاتون می پردازیم.

نرگس خاتون

«ملیکا» دختر یوشعاع، نواده امپراتور روم شرقی (میخائیل سوم، قیصر سال‌های ۲۵۳ - ۲۲۸هـ) در قسطنطینه بود که تبارش به شمعون صفا، فرزند حمون، از اصحاب و حواریون خاص حضرت عیسی علیه السلام می‌رسید.^۱ او دوران کودکی را در قصر امپراتور سپری کرد. هنوز سیزده بهار از عمرش نگذشته بود که امپراتور دستور داد تا او را به عقد یکی از عموزادگانش در آورد. مراسم عقد چند بار برگزار شد، اما هر بار حادثه هولناکی در قصر رخ داد و مانع از انجام آن شد و کسی دلیل آن را نمی‌دانست. مدتی بعد، ملیکا چند شب متوالی، رؤیاهایی دید که در آنها حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام برای خواستگاری او آمدند و ملیکا را برای همسری فرزندشان امام عسکری علیه السلام خواستگاری کردند. او در همان عالم رؤیا به اسلام ایمان آورد و به این خواسته، پاسخ مثبت داد. فاطمه زهرا علیها السلام او را در آغوش گرفت و از دیدار و وصلت او در آینده نزدیک با ابامحمد (امام حسن عسکری) خبر داد.^۲

این ایام مصادف با جنگ‌های خونین میان دو سپاه اسلام و روم بود. در سال ۲۴۸ق در جنگ عموریه، معتصم عباسی به روم حمله کرد. در این جنگ عده‌ای از رهبران مذهبی و شاهزادگان رومی به اسارت سپاه اسلام درآمدند که ملیکا نیز در میان آنان بود. پس از پایان جنگ، سران سپاه اسلام به تقسیم غنایم جنگی از جمله اسیران پرداختند. گروهی اسیران را به خانه‌های خود بردند و گروه دیگر، آنها را به برده‌فروشان سپردند. ملیکا در میان گروه دوم بود. او را سوار کشتی کردند و به بغداد آوردند و در کنار ساحل فرات در معرض فروش گذاشتند.^۳

از سوی دیگر، حضرت امام هادی علیه السلام یکی از یاران خود به نام «بشر بن سلیمان» را به همراه نامه‌ای خطاب به ملیکا مأموریت داد تا هر چه زودتر از سامرا به بغداد سفر کند و این دختر اسیر را با مشخصاتی که دارد، از فروشنده آن به نام عمر بن یزید خریداری کند. بشر بن سلیمان این مأموریت را به خوبی انجام داد و ملیکا را به قیمت ۲۲۰ دینار خرید و از این تاریخ، بانوی پاک‌سرشت رومی، جزئی از خانواده امام هادی علیه السلام شد.^۴

وقتی ایشان وارد خانه امام هادی علیه السلام شد، به نام‌های «نرگس»، «ریحانه»، «سوسن» و «صقیل» خوانده شد.^۵ امام دهم علیه السلام نرگس را به خواهرش حکیمه‌خاتون سپرد تا در تعلیم معارف و آموزه‌های اسلامی او همت گمارد. نرگس خاتون پس از مدتی کاملاً شایستگی همسری امام یازدهم را یافت و پس از مدت‌ها انتظار، سرانجام به عقد آن حضرت درآمد و افتخار همسری امام عسکری علیه السلام را به جان و دل پذیرا شد.^۶

این ایام مصادف با اعمال خشونت و ایجاد اختناق خلفای عباسی نسبت به امام عسکری علیه السلام و شیعیان بود. عباسیان منتظر تولد فرزند ایشان بودند تا او را پیش از تولد، در شکم مادرش از بین ببرند؛ از این رو بزرگ‌بانوی تشیع و مادر گران‌قدر حضرت مهدی علیه السلام هنگامی که آبستن ایشان شد، زندگی مخفیانه را برگزید و دوباره مدتی را در خانه حکیمه‌خاتون در اختفا به انتظار نشست.

ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری بود و نرگس خاتون در خانه همسرش امام عسکری علیه السلام به سر می‌برد. با این که دوران وضع حملش نزدیک بود، ولی هیچ اثری از حمل در او دیده نمی‌شد. روز چهاردهم شعبان، حکیمه‌خاتون عازم خانه امام یازدهم شد تا از احوال بانویش بپرسد. آن روز تا غروب نزد نرگس خاتون بود. هنگامی که عزم بازگشت نمود، امام مانع او شدند و فرمودند: عمه جان! امشب این جا بمانید و با ما افطار کنید؛ زیرا شب نیمه‌شعبان است و به زودی آن مولود شریف و بزرگوار که خداوند، زمینی را به وجود او حیات دوباره می‌بخشد، متولد می‌شود. حکیمه باور نمی‌کند و با شگفتی می‌پرسد: آقای من! از چه کسی؟! من در وجود نرگس هیچ آثار حمل نمی‌بینم. امام می‌فرماید: از نرگس و نه از غیر او.

حکیمه با ناباوری به طرف حضرت نرگس خاتون رفت و آن بانو را از پشت سر در آغوش گرفت و بوسید؛ اما باز اثری از حمل در وجودش ندید. امام تبسمی کرده، فرمودند: «هنگام سپیده صبح برای تو آشکار می‌شود؛ چون ماجرای نرگس مانند ماجرای مادر موساست که آثار حمل او آشکار نبود و هیچ‌کس تا هنگام تولد از آن اطلاع نداشت؛ زیرا فرعون در پی حضرت موسی، شکم مادران حامله را می‌دید. فرزندم مهدی علیه السلام همانند سرنوشت موسی را دارد».^۷

در ادامه این روایت آمده است که وقتی حکیمه‌خاتون از خود نرگس دوباره جویای حال شد، آن بانوی بزرگوار هم در خود احساس حمل نمی‌کرد و تولد فرزندش را حکیمه با استناد به فرمایش امام به او خبر داد. سحرگاهان وقت موعود فرا رسید؛ در حالی که حضرت نرگس دست در دست حکیمه‌خاتون داشت و آن را می‌فشرد، ناگهان درد زایمان گرفت و ناله‌ای سر داد و شهادتین گفت. هاله‌ای از نور میان حکیمه و حضرت نرگس فاصله انداخت. بعد حکیمه به خود آمد و نور خیره‌کننده‌ای را در پیشانی بانویش مشاهده کرد. سپس در کنارش نوزادی را در حال سجده دید که می‌گفت «أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له أن جدی رسول الله و أن ابي اميرالمؤمنين...» و بعد اسامی امامان بعدی را به ترتیب شمرد تا به پدرش امام عسکری علیه السلام و خودش رسید.^۸

به دستور امام عسکری، حکیمه جلو رفت و نوزاد را در آغوش گرفت و به سینه چسباند و بویید. بعد نوزاد را در پارچه‌ای پیچید و تقدیم امام یازدهم کرد. حضرت فرزند خویش را روی دست چپ نشاند و دست راستش را به پشت او حائل کرد؛ آن‌گاه زبان مبارک را در دهان نوزاد نهاد و دست مبارک را بر پشت و گوش و مفاصل او نوازش داد و در گوشش اذان گفت. آن‌گاه نام او را «محمد» و کنیه‌اش را «ابوالقاسم» و لقبش را نیز «مهدی» نهاد.

نرگس‌خاتون پس از آن‌که فرزندش حضرت مهدی علیه السلام را به دنیا آورد، چندان در این جهان نزیست و بنابر قولی پیش از شهادت امام عسکری در سامرا چشم از جهان فرو بست. او در مکانی دفن شد که بعداً حکیمه‌خاتون و امام یازدهم را نیز در همان مکان و در کنار او به خاک سپردند. بر روی سنگ قبر نرگس نوشته شده بود: «هذا قبر ابومحمد»^۹

مرحوم شیخ عباس قمی (رضوان الله تعالی علیه) در «مفاتیح الجنان» زیارتنامه‌ای را برای این بانوی دنیا و آخرت نقل می‌کند که ترجمه آن به شرح زیر است:

سلام بر تو ای بانوی راست‌گو و پسندیده! سلام بر تو ای شبیه مادر موسی و دختر حواری عیسی؛ سلام بر تو ای بانوی متقی و پاکیزه؛ سلام بر تو ای بانویی که از خدا راضی هستی و خدا نیز از تو راضی؛ سلام بر تو ای بانویی که در انجیل توصیف شده‌ای؛ ای بانویی که از روح‌الله امین خواستگاری شده‌ای؛ ای بانویی که که محمد، آن سید مرسلین، به وصلت تو با نواده‌اش راغب شد؛ ای بانویی که اسرار پروردگار جهانیان به تو ودیعه گذارده شد؛ سلام بر تو و بر پدران حواری تو؛ سلام بر تو و بر شوی و فرزندت؛ سلام بر تو و بر روح و بدن پاکیزه‌ات. گواهی

می‌دهم که تو به نیکی مادری نمودی؛ امانت را ادا کردی؛ در راستای جلب رضای پروردگار کوشیدی؛ برای خدا صبر ورزیدی؛ سرّ الهی را حفظ داشتی؛ ولی خدا را حمل نمودی؛ در حفظ و نگه‌داری حجت خدا بیشترین تلاش را کردی؛ به وصلت با فرزندان رسول خدا روی آوردی و در آن حال که آشنای به حق آنان بودی، به صدق و راستی ایشان ایمان داشتی؛ به مقام و جایگاهشان معترف بودی؛ به دستور و ولایتشان بینا بودی؛ دوستدار آنان بودی و انتخاب شده دلخواه ایشان بودی.^{۱۰}

پروردگارا! به تو اعتماد ورزیدم؛ در طلب رضای تو هستم؛ به اولیائت پناه آورده و آنان را وسیله در گاهت قرار داده‌ام؛ به آمرزش و بردباریت تکیه کرده‌ام؛ به یاری تو خویش را نگاه داشته‌ام و به بارگاه مادر ولی تو پناه آورده‌ام. پس سلام و درود بر محمد و آل او.

پروردگارا! از زیارت او ما را نافع کن؛ ما را بر محبتش ثابت‌قدم دار؛ از شفاعت او و فرزندش محرومان مگردان؛ از دوستی و مراقت با او ما را بهره‌مند ساز و ما را با او و فرزندش محشور فرما.^{۱۱}

• نرگس‌خاتون پس از آن‌که فرزندش حضرت مهدی علیه السلام را به دنیا آورد، چندان در این جهان نزیست و بنابر قولی پیش از شهادت امام عسکری در سامرا چشم از جهان فرو بست. او در مکانی دفن شد که بعداً حکیمه‌خاتون و امام یازدهم را نیز در همان مکان و در کنار او به خاک سپردند.

حکیمه‌خاتون

او دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام است. مادرش «سمانه مغربیه»، مادر امام دهم می‌باشد. سمانه در زمان خود جزو بهترین و باتقواترین و زاهدترین زنان بود و بیشتر روزها را روزه می‌گرفت. حضرت حکیمه‌خاتون در دامان چنین مادری و در خانه امام نهم به دنیا آمد و تعلیم و تربیت یافت.

دوران حیات او مصادف با امامت چهار امام معصوم (امام جواد، امام هادی، امام عسکری و امام مهدی علیه السلام) بود که در این ایام فشار بر شیعیان از سوی حکومت خلفای عباسی به اوج خود رسیده بود و ظلم و ستم آنان و عیاشی و خوش‌گذرانی کارگزارانشان موجب فساد و تباهی جامعه اسلامی شده بود.^{۱۲}

او در این اوضاع و شرایط حساس تاریخی که اختناق و خفقان همه جا را فرا گرفته و

شیعیان ناچار به زندگی مخفیانه شده بودند، نقش سازنده و ستودنی ایفا کرد. عباسیان از سال‌ها پیش شنیده بودند و به یقین می‌دانستند که فرزندی از خاندان پاک امامت و ولایت متولد شده و با ظلم و ستم مبارزه خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود؛ از این رو سخت در تکاپو بودند و تجسس و مراقبت می‌کردند تا اگر آن موعود پا به عرصه گیتی نهاد، به خیال خود سر به نیستش کنند. گاهی جاسوسانی در لباس پزشک و خدمتکار به محضر امام عسکری علیه السلام می‌فرستادند و زنانی را به بهانه‌های گوناگون مأمور می‌کردند که در خانه امام بمانند و زنان و کنیزان را معاینه کنند تا دریابند کدام یک از ایشان حامله‌اند. اما خانه حکیمه‌خاتون منزل امنی برای نرگس‌خاتون، مادر حضرت حجت علیه السلام شد.^{۱۳}

در این میان مدیریت و اشراف حکیمه‌خاتون در اختفای همسر امام عسکری علیه السلام و حفظ اسرار خانه امامت و ولایت بسیار ستودنی است. او به دستور امام یازدهم این مسؤولیت خطیر را بر عهده گرفت. حکیمه‌خاتون جزو معدود کسانی بود که حضرت عسکری علیه السلام تولد امام مهدی علیه السلام را در آینده نزدیک به وی خبر می‌داد و او را از سلامتی نوزاد آگاه می‌کرد. بنا بر برخی روایات، حکیمه‌خاتون حتی شاهد سخن گفتن نوزاد در رحم مادرش بود و برای آرامش نرگس‌خاتون سوره انزال قرائت می‌کرد. همچنین ایشان اولین کسی بود که وقتی امام مهدی علیه السلام متولد شد، شاهد سجده آن حضرت و شهادت او به وحدانیت خدای متعال و رسالت پیامبر و ولایت امیر مومنان و فرزندان معصومش و دعا برای فرج خویش بود. این بانوی پاک‌سرشت اولین کسی بود که این نوزاد را در آغوش گرفت و او را بوسید.^{۱۴}

حکیمه‌خاتون خود می‌گوید: چهل روز پس از تولد نوزاد، به دعوت امام عسکری علیه السلام به خانه آن حضرت رفتم. وقتی وارد شدم، ناگهان دیدم همان نوزاد، چون آفتاب می‌درخشد و در مقابل پدر راه می‌رود و به اندازه یک فرزند دو ساله رشد کرده است! با شگفتی از علت آن پرسیدم. امام عسکری علیه السلام فرمود: فرزندان پیامبران و جانشینان آنها که به مقام امامت و رهبری می‌رسند، رشدشان مانند سایرین نیست؛ بلکه یک ماه آنان به منزله یک سال دیگران است.^{۱۵}

به نوشته علامه مجلسی پس از شهادت امام یازدهم علیه السلام حضرت حکیمه‌خاتون مدتی نیابت و سفارت حضرت حجت علیه السلام را بر عهده داشت. او عرایض مردم را به حضور آن حضرت می‌رساند و پاسخ‌ها و توقیعات شریفه را از ناحیه مقدسه به صاحبانش بازمی‌گرداند.^{۱۶}

سرانجام این بانوی جلیل‌القدر در سال ۲۴۷ هجری چشم از جهان فرو بست و در

سامراء، در کنار ضریح امام عسکری علیه السلام به خاک سپرده شد. علامه مجلسی ضمن تجلیل از مقام و منزلت حکیمه‌خاتون و تأکید بر این که او مدتی نیابت حضرت مهدی علیه السلام را نیز بر عهده داشت، می‌نویسد:

• مدیریت و اشراف حکیمه‌خاتون در اختفای همسر امام عسکری علیه السلام و حفظ اسرار خانه امامت و ولایت بسیار ستودنی است. او به دستور امام یازدهم این مسؤولیت خطیر را بر عهده گرفت. حکیمه‌خاتون جزو معدود کسانی بود که حضرت عسکری علیه السلام تولد امام مهدی علیه السلام را در آینده نزدیک به وی خبر می‌داد

سزاوار است مردم و شیعیان مقبره او را که در بقعه مبارکه و حرم امام عسکری واقع است، زیارت کنند و آن‌گونه که شایسته شأن و منزلت این بانو اقتضا می‌کند، از وی تجلیل و تکریم شود.^{۱۷}

مرحوم شیخ عباس قمی نیز ضمن نقل مطلب علامه مجلسی و بحرالعلوم در این مورد، به فضایل و مناقب و مرتبه زهد و تقوای او تأکید کرده و به استحباب زیارت قبرش عنایت دارد.^{۱۸} وی در «مفاتیح الجنان» می‌نویسد:

با این که در کتب مزار، زیارت مخصوص برای آن معظمه ذکر نشده است، با آن مقام و مرتبه رفیع‌ای که دارد، پس سزاوار است او را با همان الفاظی که در زیارتنامه حضرت فاطمه معصومه علیه السلام در قم آمده است، ایشان نیز زیارت شود.^{۱۹}

بی‌نوشت

۱. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸۳ و منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۱۸.
۲. همان، ص ۴۱۹.
۳. جمعی از نویسندگان، بانوان نمونه، ص ۶۱۶.
۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۱۷.
۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵.
۶. همان، ص ۱۲.
۷. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۲۱.
۸. همان، ص ۴۲۲.
۹. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸۳.
۱۰. بانوان نمونه، ص ۶۴۳.
۱۱. رک: مفاتیح الجنان، باب زیارات، ص ۶۷۳؛ سید بن طاووس، مصباح الزائر، ص ۴۱۳؛ محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، المزار، ص ۲۳۴.
۱۲. رک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان.
۱۳. رک: منتهی الآمال.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۶ و منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۲۲.
۱۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴.
۱۶. علامه مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۶.
۱۷. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۷۹ و محدثی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۲۳۸.
۱۸. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۴.
۱۹. رک: مفاتیح الجنان، باب زیارت، ص ۶۷۵.

